

# امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیم‌سال دوم تحصیلی ۹۵-۹۴  
رشته فقه و روای مهر ۹۴

مهر مدرسه

|                                  |             |                    |
|----------------------------------|-------------|--------------------|
| ردیف:                            |             |                    |
| صورتی: ساعت برگزاری: ۱۰ صبح      | نمره: ۱۴    | مست باکس: ۷۰ دقیقه |
| نمره‌نویسی: ساعت برگزاری: ۱۰ صبح | نمره: ۱۶    | مست باکس: ۸۰ دقیقه |
| شناسه یا نام مصحح اول            | نمره بر عدد | نمره بر حرف        |
| شناسه یا نام مصحح دوم            | نمره بر عدد | نمره بر حرف        |

|           |  |
|-----------|--|
| کد آزمون: | ۳۹۴۲/۰۲  |
| تاریخ:    | ۱۳۹۵/۰۳/۱۰   |
| عنوان:    | اصول فقه ۲   |
| کتاب:     | دروس فی علم الاصول - حلقه ناله «تهجد صدر»  |
| مورد:     | جزء اول: از ابتدای دلیل شرعی غیر لفظی تا المسئولیه عن المقدمات قبل الوقت (از ابتدای درس ۳۷ تا ابتدای درس ۶۸) (ص ۳۳۹-۱۷۹) |

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد طلایی: ..... مدرسه علی: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۱- «مخالف بودن مذهب مخبر با مضمون خبر» و «قریب به بدیهی بودن مضمون خبر» چه نوع عاملی برای تحصیل یقین در تواتر محسوب می‌شود؟ ص ۲۰۰

۰/۵

- الف. موضوعی - موضوعی
- ب. ذاتی - موضوعی
- ج. موضوعی - ذاتی
- د. ذاتی - ذاتی

۲- چرا «تحقق اجماع از فقهای متقدم و نه متاخر» یکی از شروط مساعد کشف اجماع است؟ ص ۲۱۳

۰/۵

- الف. لانه یمن دخول المعصوم فی اجماعهم
- ب. انما اجماعهم یکشف عن روایة خاصة
- ج. لان اکثر حدس المتاخرین غیر مصاب
- د. انما اجماعهم یکشف عن ارتکاز عام

۳- کدام گزینه از مقدمات «دلیل انسداد» برای حجیت خبر واحد است؟ ص ۲۴۴ (امتحانات تکمیلی نیم‌سال دوم ۹۴-۹۳)

۰/۵

- الف. رجحان أخذ به مضمونات
- ب. عدم جواز رجوع به احتیاط
- ج. علم اجمالی به تکالیف غیر الزامیه
- د. عدم وجوب رجوع به اصول عملیه

۴- چرا به لحاظ ادله حجیت قول ثقه، فتوای مجتهدی برای مجتهد دیگر حجت نیست؟ ص ۲۴۸ (امتحانات متمرکز مجدد ۹۴-۹۳)

۰/۵

- الف. للعلم الاجمالی علی الخلاف
- ب. لان اخباره لیس حسياً
- ج. لعدم تراکم الاحتمالات
- د. لان اخباره لیس یقیناً

۵- طبق نظر شهید صدر (ره) حکم «اصالة الظهور» در جایی که احتمال قرینه متصل و منفصل می‌دهیم به ترتیب چیست؟ ص ۲۶۷ (مسابقات علمی منطقه‌ای ۹۴-۹۳)

۰/۵

- الف. جریان - جریان
- ب. جریان - عدم جریان
- ج. عدم جریان - جریان
- د. عدم جریان - عدم جریان

۶- کدام گزینه ناظر به «شروط ترتب» است؟ ص ۳۲۴

۰/۵

- الف. ترتب وجوب مجعول بر جعل
- ب. اختصاص مصلحت به حصه
- ج. ایجاد مصلحت برای فعل
- د. ترتب اراده بر مصلحت

۷- چرا حکمی که از فعل معصوم علیه السلام کشف می‌شود را نمی‌توان به کل حالات تعمیم داد؟ برای چه مواردی حکم اثبات می‌شود؟ ص ۱۸۰ - ۱ نمره

۱

جواب: به دلیل اینکه دلالت فعل اطلاق ندارد [زیرا از سنخ لفظ نیست] در نتیجه تنها در حالتی که در همه جهاتی که احتمال تاثیر در ثبوت حکم را دارد شبیه فعل معصوم علیه السلام باشد، حکم اثبات می‌شود [باید به قدر متیقن اکتفاء نمود].

۸- مراد شهید صدر (ره) در عبارت «أنه لا ملازمة بين التواتر و ثبوت القضية فضلاً عن الاجماع و هذا لا ينفى اننا نعلم بالقضية القائلة: (كل قضية ثبت تواترها فهي ثابتة) لان العلم بان المحمول لا ينفك عن الموضوع غير العلم بأنه لا يمكن ان ينفك عنه» را توضیح دهید. ص ۲۰۹ - ۲ نمره

جواب: شهید صدر (ره) قائلند که ملازمه‌ای بین تواتر و ثبوت قضیه نیست چه برسد به اجماع، در این صورت سوال مطرح می‌شود پس چگونه شما قائلید که هر قضیه‌ای متواتر باشد ثابت است. شهید صدر (ره) جواب می‌دهند: فرق است بین علم به اینکه محمول از موضوع منفک نیست یعنی برایش ثابت است و بین علم به اینکه مستحیل است محمول از موضوع منفک شود که با برهان ثابت می‌شود و ملازمه عقلی دارد، به عبارت دیگر با تواتر وقوع محمول برای موضوع اثبات می‌شود ولی انفکاک محمول از موضوع استحاله ندارد ولی با برهان که ملازمه عقلی اثبات می‌شود ضرورت محمول برای موضوع اثبات می‌شود که استحاله دارد انفکاک موضوع از محمول.

۹- اعتراض مطرح در عبارت «هناك اعتراض يواجه الاستدلال بالسيرة في اثبات حجية الخبر و هو: ان السيرة مردوع عنها بالآيات الناهية عن العمل بالظن الشاملة باطلاقها لخبر الواحد و اجاب عنه: من ان الردع عن السيرة بتلك العمومات الناهية غير معقول لانه دور» را توضیح داده، مراد از «دور» در جواب را تنقیح کنید. ص ۲۳۷ و ۲۳۸ - ۲ نمره (آزمون ورودی سطح چهار ۹۳-۹۴)

جواب: برای حجیت خبر واحد به سیره تمسک کرده‌اند و لکن اشکالی مطرح است: سیره زمانی حجت است که از جانب شارع ردع نشده باشد، ولی می‌دانیم که اطلاق «آیات ناهی از عمل به ظن» سیره عمل به خبر واحد را ردع می‌کند پس نمی‌توان به سیره تمسک کرد. صاحب کفایه (ره) به این صورت جواب داده‌اند عمومات نمی‌توانند سیره را ردع کنند زیرا مستلزم دور است به این بیان که ردع به وسیله این عمومات (اطلاقات) متوقف است بر اینکه این عمومات حجت باشند و این حجیت متوقف است بر عدم وجود مخصّص (یعنی عدم وجود سیره که مخصّص است) و عدم وجود سیره (مخصّص) متوقف است بر اینکه عمومات سیره را ردع کنند. [ردع متوقف است بر عدم سیره (مخصّص) و عدم سیره متوقف است بر ردع].

۱۰- چرا دلیل حجیت ظهور حالی منحصر به سیره عقلاست و از طریق سیره متشرعه و ادله لفظیه که امر به تمسک به کتاب و احادیث می‌کنند نمی‌توان آن را اثبات کرد؟ ص ۲۸۶ - ۲ نمره (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۳-۹۴)

جواب: سیره متشرعه نمی‌تواند باشد چون افعال شارع بدون ظهور لفظی خیلی نادر بوده لذا نمی‌توان کشف کرد سیره‌ای بر عمل به ظاهر حال معصوم بوده است. کتاب و سنت نمی‌تواند باشد. زیرا آن‌ها از آن جهت که لفظی هستند واجب است به ظهوراتشان عمل کنیم و این چه ربطی به ظهور حالی دارد. ظهور حالی نه کتاب است و نه حدیث.

۱۱- مراد شهید صدر (ره) از عبارت «ان الملاك غير آبية عن دخالة القدرة كشرط فيه بحيث لاملاك في الفعل الى صدور من العاجز و عن عدم دخالتها كذلك بحيث يكون الفعل واجداً للمصلحة حتى من العاجز» را تبیین کرده، هر فقره از عبارت ناظر به چه قدرتی است؟ ص ۳۰۰ - ۲ نمره

جواب: ملاک ابا ندارد از اینکه «قدرت» شرط در آن باشد به این نحو که در حق عاجز صدور فعل مصلحت ندارد یا شرط نباشد به این نحو که صدور فعل مصلحت دارد ولو از عاجز، که قدرت در حالت اول قدرت شرعی و قدرت در حالت دوم قدرت عقلی نامیده می‌شود.

۱۲- با توجه به مبانی مختلف در امکان تکلیف به جامع مقدور و غیر مقدور، توضیح دهید اگر تنافی در مقام امتثال بین یک واجب و حصه‌ای از واجب دیگر باشد، آیا از موارد تراحم است؟ ص ۳۱۹ - ۲ نمره

جواب: اگر قائل شویم به امتناع تکلیف به جامع مقدر و غیر مقدر از موارد تراحم است زیرا تکلیف بین جامع حصه مبتلا به مزاحم و حصه دیگر ممتنع است در نتیجه تراحم بین امر به جامع و امر به ازاله قائم می‌شود اما اگر قائل شویم به امکان تعلق تکلیف به جامع مقدر و غیر مقدر در این صورت مانعی برای تعلق تکلیف به جامع نیست در نتیجه امر به جامع بین حصه مبتلا به مزاحم و حصه دیگر ثابت است بدون ترتب.

\* سؤال زیر مختصّ طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می‌باشد:

۱۳- کیفیت پیدایش و حجیت «اصالة عدم النقل» را تبیین نمائید. ص ۲۷۴ - ۲۶۹ - ۲ نمره

جواب: این اصل بر اساس یک تخیلی است که در عرف قائم است که منشأ آن ثبات لغت و عدم تغییر آن است، پیشرفت لغت به قدری کند است که باعث شده افراد عرف چنین تلقی کنند که هیچ تغییر و نقلی با گذشت زمان حاصل نمی‌شود، این تلقی گرچه صحیح نیست و فریبنده است ولی تلقی چنان عام و فراگیر است که موجب شده عقلاء هنگام احتمال تغییر بنا بر الغاء آن بگذارند، و شارع با سکوت خود این بناء را امضاء کرده است. البته حجیت آن به این معنا نیست که شارع نقل و تغییر را مردود نداند، بلکه به این معناست که به این سیره غلط در بین عقلاء راضی است و اهداف و اغراض از این طریق حاصل می‌شود.